



## چرا اغلب پژوهش‌ها بی‌رمق‌اند؟ روشی جواب‌داده برای مولدسازی پژوهش‌ها

Why most researches do not have an impact ? Proposing a nine-construct solution that makes any research generative

Scan me

**چرا اغلب پژوهش‌ها بی‌رمق‌اند؟**

روشی جواب‌داده برای مولدسازی پژوهش‌ها

شکر عزیزه نظری  
MaryamNazari.com

مریم نظری

دانش‌آموخته دکترای سواد اطلاعاتی  
دانشگاه شفیلد انگلستان

maryamnazari76@gmail.com

### چکیده

هر پژوهشگر بین ۲ تا ۷ سال عمر مفید خود را صرف پژوهش می‌کند؛ اما این سرمایه‌گذاری بزرگ در نهایت و در بهترین حالت چیزی جز نمره، مدرک، ارتقا و چاپ یکی دو مقاله برای او نمی‌خرد. چرا؟ چون پژوهشش نه او را در موضوعی متخصص و برند می‌کند، نه مشکلی را حل می‌کند و نه چیزی به دانش موجود اضافه می‌کند. چرا اغلب پژوهش‌ها به این سرنوشت دچار می‌شوند؟ و برای حل این مشکل چه کار باید کرد که در سیستم آموزش و پژوهش فعلی کشور (که بیمار است) کار کند؟ در ادامه پس از کالبدشکافی این مسئله، مدلی نه سازه‌ای برای مولدسازی پژوهش‌ها ارائه شده است که حاصل یک سفر اکتشافی است که از اکتبر ۲۰۰۴ موقع شروع پژوهش دکترا م آغاز کرد و تا به امروز نتایج عالی خلق کرده است.

### پژوهش‌ها بی‌رمق‌اند یعنی چه؟

علوم و فناوری‌ها قابلیت‌های بی‌نظیری دارند و هدفشان خدمت به جامعه و جهان است و پژوهش این خدمت‌رسانی را در مقیاس بی‌نهایت (در بافت‌های بی‌نهایت متنوع) محقق می‌کند. پژوهش این امکان را فراهم می‌آورد تا مثلاً فناوری که در کشور سوئد ابداع شده در کشورهای دیگر هم مناسب با شرایط، نیازها و محدودیت‌های آن کشور مورداستفاده قرار گیرد.

یعنی به فهم یا حل مسائل واقعی یا بهبود سلامت، رفاه و شادی جامعه کمک نمی‌کنند. ممکن است بپرسید: مگر کار پژوهش این است؟ بله. کار پژوهش ساده‌سازی و بازاریابی قابلیت‌های علوم و فناوری‌هاست که در دنیای پژوهش در قالب مدل، نظریه، مفهوم، پدیده، متغیر و سازه شناخته شده‌اند و در قالب موضوع پژوهشی برای پایان‌نامه، رساله یا طرح پژوهشی مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

پدیده و امکانی به نام تلگرام می‌آید و آن‌ها در آموزش، پژوهش، بانکداری، سلامت و ... از آن استفاده می‌کنند و به رفاه و سلامتی و شادی جامعه‌شان اضافه می‌شود ولی ماهمچنان آن را یک تهدید می‌بینیم و دغدغه‌مان چگونه فیلتر کردن آن می‌شود!

و برای این کار باید به سه دانش مجهز باشیم:  
T دانش موضوعی که می‌گوید یک موضوع چه قابلیت‌ها و کارکرد‌هایی دارد و درباره یک موضوع چه پرسش‌هایی می‌توان پرسید.  
T دانش روش‌شناختی که می‌گوید مناسب‌ترین روش‌ها برای پژوهیدن یک موضوع چه روش‌هایی هستند و هر روش قابلیت تولید چه نوع دانشی را دارد.  
T دانش بافتی که می‌گوید در بافت مدنظرتان چه پرسشی ارزش پژوهیدن دارد و چه روشی مناسب‌ترین روش پژوهیدن آن است.

به همین دلیل اغلب پژوهش‌ها بی‌رمق‌اند یعنی:  
 • مسئله ندارند. به جای طرح مسئله، به معرفی موضوع می‌پردازند  
 • و اگر هم مسئله دارند مشخص نیست صاحب این مسئله کیست و این مسئله در چه بافتی اتفاق افتاده  
 • اغلب پژوهش‌ها مدل مفهومی معتبر و جامعی ندارند به همین دلیل ابزارشان نامولد است؛ یعنی مشخص نیست می‌خواهند پرسش اصلی پژوهش‌شان را چطور از جامعه پژوهش بپرسند، چه پرسش‌هایی می‌خواهند بپرسند؟ این پرسش‌ها روی چه فونداسیون نظری سوار هستند و این فونداسیون چقدر معتبر است؟  
 • و از آن مهم‌تر اغلب پژوهش‌ها پروتکل‌شان اشتباه طراحی می‌کنند؛ یعنی به جای اینکه به ترتیب به سه پرسش چی بپرسم؟ از کی بپرسم؟ چطوری بپرسم؟ پاسخ دهنده، پروتکل پژوهش‌شان با از کی بپرسم؟ و چطوری بپرسم؟ شروع می‌شود و بعد چی بپرسم را به این دو می‌چسبانند.  
 • و در نهایت «خب که چی؟». نوآوری و کاربرد این پژوهش‌ها نامشخص است. در نتیجه دیده و خریده نمی‌شوند.

- حالا اگر پژوهش را درست انجام دهیم به دو چیز خدمت می‌کنیم:
  - یک - به ارتقای رفاه، سلامتی و شادی جامعه و جهان پیرامون
  - دو - به رشد و شکوفایی علوم و فناوری‌ها
- و اگر یک پژوهش رفع تکلیفی انجام دهیم به هر دو این‌ها خیانت می‌کنیم:
- هم جامعه را زقابلیت‌های بی‌نظیر علوم و فناوری‌ها محروم می‌کنیم
  - هم به علوم و فناوری‌ها اجازه نمی‌دهیم در بافت‌های جدید شکوفا شوند؛ نوزاد ناقص باقی می‌مانند.

### حالا چرا اغلب پژوهش‌های بی‌رمق‌اند؟

چون در بازآفرینی علوم و فناوری‌ها (مدل‌ها، نظریه‌ها، مفاهیم، پدیده‌ها، موضوع‌ها) ضعف دارند. چرا؟

چون این نگاه بازآفرینانه به پژوهش، در پژوهشگران وجود ندارد. اغلب ما پژوهشی انجام می‌دهیم که انجام داده باشیم. پژوهش را برای فهم یا حل مسئله‌ای واقعی انجام نمی‌دهیم. چرا؟  
 چون اغلب پژوهشگران نمی‌دانند چطور از روش‌ها و ابزارهای پژوهش برای بازآفرینی علوم و فناوری‌ها استفاده کنند. در ابتدا پژوهش‌شان را با پرسشی جذاب شروع می‌کنند ولی وقتی در انجامش احساس ضعف می‌کنند ترجیح می‌دهند کاری را که بلدند، انجام دهند و راحت‌ترین و امن‌ترین کار هم پرسشنامه است که بین پژوهشگران ایرانی به پرسشنامه محقق‌ساخته معروف است.

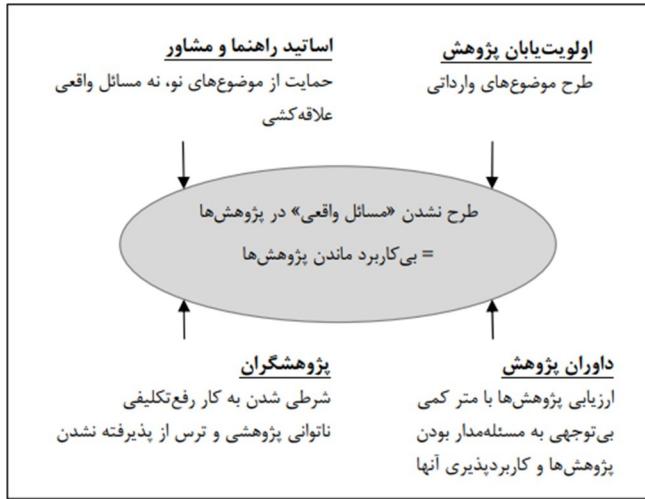
### حالا چرا در بازآفرینی علوم و فناوری‌ها ضعف داریم؟ ما که منبع و کلاس واستاد کم نداریم؟

چون منابع روش تحقیق ما اغلب ترجمه‌های هستند و اصلاً برای ما نوشته نشده‌اند. برای کسی نوشته شده‌اند که پژوهش را از بچگی زندگی کرده. این می‌شود که آن‌ها همان کتاب‌ها و ابزارها را استفاده می‌کنند و پژوهش‌هایشان به جامعه و علم خدمت می‌کنند ولی ما همان ابزارها و کتاب‌ها را استفاده می‌کنیم، آن اتفاق نمی‌افتد!

یعنی به عنوان مثال پدیده و امکانی به نام تلگرام می‌آید و آن‌ها در آموزش، پژوهش، بانکداری، سلامت و ... از آن استفاده می‌کنند و به رفاه و سلامتی و شادی جامعه‌شان اضافه می‌شود ولی ما همچنان آن را یک تهدید می‌بینیم و دغدغه‌مان چگونه فیلتر کردن آن می‌شود!

### تولید پژوهش مولد با دانستن صرف روش تحقیق ممکن نیست

دانستن روش تحقیق مثل داشتن یک جعبه‌ابزار لوکس است که اگر کار کردن با آن را بلد نباشیم کاری از پیش نمی‌برد. برای تولید یک پژوهش مولد باید خوب پرسیدن پرسش‌های خوب را بلد باشیم و

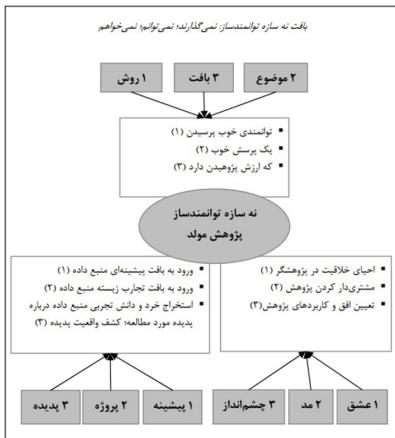


شکل ۱. نقش خانواده تحقیق و توسعه در بی کاربرد ماندن پژوهشها

از سرچم مطالعه‌ی اکتشافی و به مدد تخصص که سواد اطلاعاتی است (به افراد یاد می‌دهم چگونه یاد بگیرند) به این نتیجه رسیدم باید روشی ابداع کنم که در پژوهشگران خواستن و توانستن آن هم در سطح عالی را به وجود آورد تا بتوانند بدون معطلي (برای اصلاح شدن سیستم آموزش و ارزیابی پژوهش) و با اعتمادبه نفس بالا پژوهش‌های مولد و تأثیرگذاری تولید کنند که هم از انجامش لذت برند و هم برایشان نام و نان بیاورد.

### مدل نه‌سازه‌ای پژوهش مولد

خروجی این مطالعه‌ی اکتشافی شد یک مدل نه سازه‌ای شامل سه سازه‌ی سه‌تایی که با رویکرد خود توامندسازی آن را طراحی کردم (شکل ۲).



شکل ۲. مدل نه‌سازه‌ای پژوهش مولد و نقش هر سازه در توامندسازی پژوهشگران و مولندسازی پژوهشها

### سفر اکتشافی من درباره‌ی پژوهش

این‌ها بخشی از آهان‌هایم از یک سفر اکتشافی است که از اکتبر ۲۰۰۴ شروع کردم و اسمش را گذاشتمن پژوهشی درباره‌ی پژوهش.

اکتبر ۲۰۰۴ در حالی پژوهش دکتری ام را شروع کردم که فکر می‌کردم خیلی پژوهش بلدم چون کارنامه‌ی پژوهشی درخشنانی داشتم؛ چند طرح پژوهشی، چند کتاب، چندین مقاله؛ و کارنامه‌ی درخشنان تحصیلی!

اما خیلی زود متوجه شدم کلا پژوهش را اشتباه یاد گرفته‌ام! ما سوال را می‌دانیم، جواب را هم می‌دانیم و با پژوهش فقط می‌خواهیم شواهدی جمع کنیم که بگوییم: «دیدی راست گفتم!»

و هر چه پیش می‌رفتم بیشتر می‌فهمیدم خیلی چیزها را اشتباه یاد گرفتم؛ از مسئله‌ی تا موضوع تا مفهوم و فلسفه‌ی وجودی خیلی چیزها در پژوهش مثلاً مدل مفهومی در پژوهش، پروتکل پژوهش و ... چون اصولاً آدم کار رفع تکلیفی نیستم تصمیم گرفتم به هر قیمتی شده پژوهش را اصولی یاد بگیرم ولو پژوهش دکتری ام بیشتر طول بکشد.

دو مسیر برای یادگیری درست‌پژوهی درنظر گرفتم و رفت و بروگشت بین این دو مسیر شد منبع یادگیری ام

۰ مسیر اول کالبدشکافی و مهندسی معکوس مقالات منتشر شده در نشریات برتر بین‌المللی

۰ مسیر دوم شرکت در رویدادهای علمی و کالبدشکافی پژوهش‌ها و رفتار ارائه پژوهشگران

### علت‌یابی بی‌رمق ماندن پژوهش‌ها با عینک درست‌پژوهی

سرچم این‌ها و آهان‌های بزرگ دیگری که در مرحله‌ی گردآوری داده و نوشتمن رساله به دست آوردم شدند عینکی که نامش را گذاشتمن «عینک درست‌پژوهی». با این عینک خیلی عمیق‌تر و دقیق‌تر چرایی بی‌رمقی پژوهش‌ها را علت‌یابی و آسیب‌شناسی کردم و متوجه شدم علی‌رغم اینکه تقریباً همه‌ی پژوهشگران می‌دانند پژوهش‌ها بی‌رمق‌اند اما به سه دلیل کسی کاری انجام نمی‌دهد:

۰ نمی‌گذارند: که به کاستی‌های نظام آموزش و ارزیابی پژوهش در کشور اشاره دارد.

۰ نمی‌توانند: که به ضعف در مهارت پژوهش اعضای خانواده‌ی تحقیق و توسعه دارد (شکل ۱).

۰ نمی‌خواهند: که به بی‌انگیزه شدن و عادت کردن به کار رفع تکلیفی در میان پژوهشگران اشاره دارد.

شوند و از آن‌ها برای هدایت و تهییه محتوای موردنیاز پژوهششان در سه مرحله طراحی، اجرا و ارائه استفاده کنند.

#### سه‌سازه‌ی سوم: پیشنه، پروژه، پدیده

این سه سازه که حاصل بزرگ‌ترین آهان‌های من از پژوهش هستند، فوت تولید دانش نو و کاربردی را به پژوهشگر نشان می‌دهند. اینکه برای گردآوری داده‌ی پژوهشтан، از جامعه‌ی پژوهش یا منبع داده‌تان چطور سوال پرسید که کامل‌ترین و غنی‌ترین داده را در اختیار شما قرار بدهد.

هر یک از این سازه‌ها بهنوعی به پژوهشگر کمک می‌کنند تا ذهنیت و توانمندی‌های موردنیاز برای تولید پژوهش مولد را در خود ایجاد نماید.

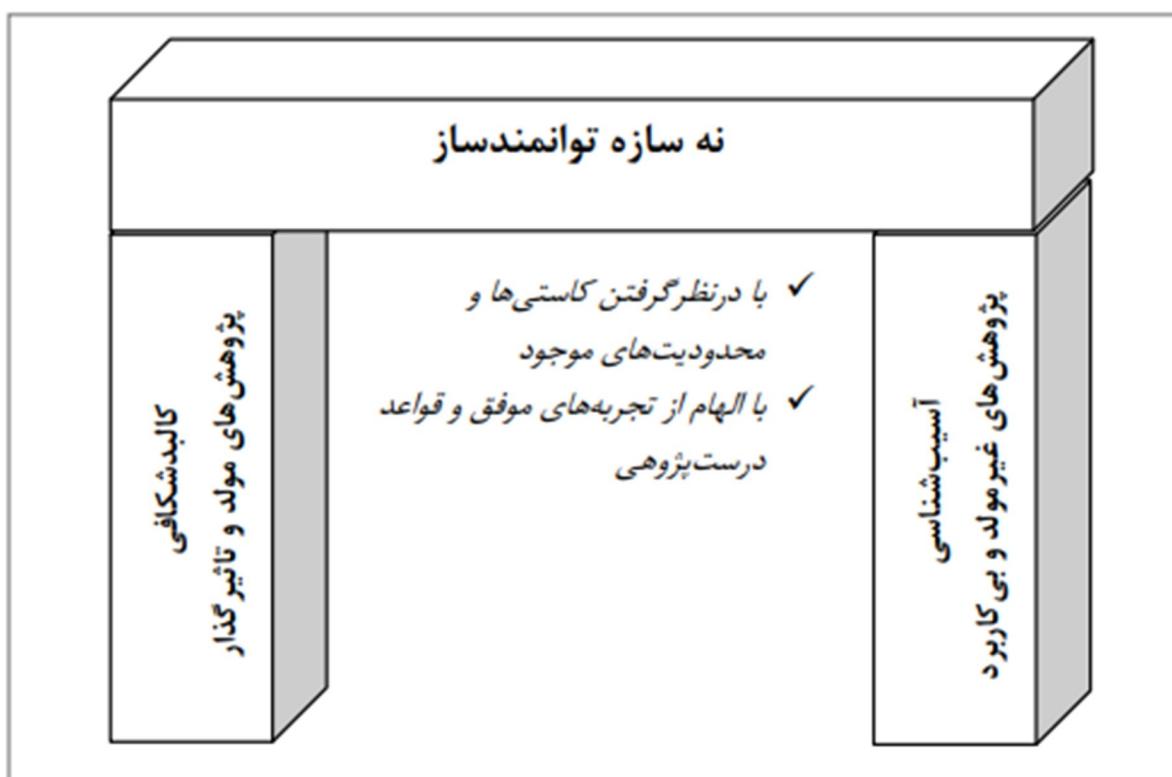
#### سه‌سازه‌ی اول: عشق، مدد، چشم‌انداز

خلاقیت و جسارت، انجام پژوهش مورد علاقه، رادر پژوهشگر زنده می‌کنند. با این سه سازه می‌توانید بدون نگرانی درباره «تکراری بودن موضوع انتخابی تان» پژوهشی انجام دهید که هم مورد علاقه‌ی خودتان است و هم بازار و مشتری منتظری دارد.

سه‌سازه‌ی دوم: موضوع، روش، بافت  
به پژوهشگران کمک می‌کنند به موضوع، روش و بافت پژوهشتان مسلط

#### جمع‌بندی

این مدل در واقع حاصل یک پژوهش طولی اکتشافی ۱۳ ساله درباره چیستی، چرایی و چگونگی پژوهش مولد و تحلیل آسیب‌شناسانه‌ی پژوهش‌های غیرمولد است. به پشتونه‌ی دستاوردهای این سفر پژوهشی، فوندانسیون نظری این مدل روی دو ستون علمی استوار شده است (شکل ۳):



شکل ۳. فوندانسیون نظری نه سازه توانمندساز برای مولدسازی پژوهش‌ها